



## برای ادامه درس‌های حضوری (با ایلیم) چه قدم‌ها و آمادگی‌هایی لازم است؟

این‌ها آمادگی‌های خیلی ضروری و بنیادی نیست اما لازم است یا بگوییم بهتر است که این قدم‌ها قبل از ادامه جلسات حضوری برداشته شده باشد، بنابراین من در این جواب به آمادگی‌های اساسی و اصطلاحاً اورژانسی نمی‌پردازم و از آمادگی‌های معمولی‌تر می‌گوییم:

۱. برای ادامه درس‌های حضوری بهتر است ما به جای شروع از صفر و یک، لااقل از نُه شروع کنیم. درس‌ها و دوره‌های مشابهی را که دیگران گذرانده‌اند را بگذرانیم و در جلسات حضوری حرکت ما کاملاً صعودی و رو به جلو باشد و نه مرور و بازیابی آنچه گذشته، چون این کار را به تنهایی یا همراه با دوستانی که حضور داشته‌اند می‌توانیم انجام دهیم. باید از آخرین جای ممکن شروع کنیم تا هرچه بیشتر فرصت و امکان یادگیری داشته باشیم و زمان بیشتری را ذخیره کنیم.

۲. روش‌ها و مدل‌ها و زبان‌های پایه را باید بدانیم. در اکثر موارد بیشتر دوستان از اصطلاحات پایه و اولیه بی‌خبرند. دلیلش هم منطقی‌ست چون در معرض آن نبوده‌اند؛ اصطلاحاتی که صرفاً یک نوع آن در این ۳۵ تا ۴۰ سال پدید آمده و انواع دیگر آن (مرتبط با مکتب‌ها، اساتید، صف‌ها و ...) قرن‌هاست به وجود آمده و در طیف‌های مختلف رد و بدل می‌شود. این مثل یادگیری زبان و اصطلاحات اولیه برای حضور مؤثر در قاره و کشور دیگر است.

علاوه بر زبان‌ها، بیان‌ها (روایت‌ها) و اصطلاحات اولیه، و به موازات آنها لازم است ما روش‌ها و مدل‌های پایه را هم یاد بگیریم. با اینکه این شامل صدها روش و ساختار

است اما قصد ما یادگیری موارد کاربردی اولیه است مثلاً روش دو ستونه و چند ستونه، روش های اولیه تفسیر، روش های کارگاهی اولیه، بررسی رؤیا و نشانه، اتصال یابی اولیه، شبکه یابی اولیه، تفاسیر مقدماتی و ابتدایی به روش کالاسمی و...، پاره رؤیا و تعدادی روش اولیه و مقدماتی که غالباً در کارگاه های اولیه مورد استفاده قرار می گیرند... مدل ها هم که با روش ها فرق دارد اما همان خط آماده سازی را دنبال می کند.

۳. شناسایی اولیه سلسله وقایع، مسیرها (جاده ها)، هولوگرام ها، سایه ها، روندها، مسیرهای موازی و وقایع موازی (...)، آشنایی کلی و اولیه با اصطلاحاً پروژه ها و موازی ها و انعکاسی ها.

۴. این خیلی بهتر است که در درس ها و جلسات حضوری، ما فاز صفرم و حوزه صفرم نباشیم و سیگنال ها و علائم صفرم بروز ندهیم. فاز صفرم (در این موضوعیت) وقتی است که ما عملاً هیچ چیز مؤثر و کارایی درباره آن موضوع نمی دانیم و نمی توانیم انجام دهیم... فاز صفرم به معنی «هر را از بر ندانستن» نیست (در این موضوعیت) بلکه به این معناست که چیز خاصی، چیز مهم و مؤثری درباره آن نمی توانیم و نمی دانیم.

۵. وقتی ما وارد یک وضعیت و موضوع و میدان جدید می شویم یکی از اصلی ترین کارها آن است که از خطرات احتمالی محفوظ و مصون بمانیم. در این موضوع هم در جلسات حضوری بهتر است ما از گرفتاری ها و خطرات این حوزه ها و میدان ها خود را حفظ کنیم. برای مثال فرد بدون آنکه حجتی داشته باشد، بدون مستندات و شواهد کافی در یک مسابا شرکت می کند در حالی که این کاملاً شبیه اهرم گرفتن در کریپتوست؛ هر چقدر هم پاداش آن مسابا بیشتر باشد معلوم است که اهرم و توان و تاوان موضوع بیشتر است.

در این مثال شخص فکر می کند به همین راحتی می تواند صاحب صیدی بزرگ شود در حالی که هیچ فرد آماده و نسبتاً پخته ای دست به چنین خطری نمی زند که بدون حتمیت و قطعیت جواب درست، وارد مسابا شود چون خطر لیکوئید شدن سهم و اعتبار و نیروی فرد کاملاً همراه با چنین کاری است، اما شخص ناآماده گمان می کند کی گرفته؟ کی می تواند بگیرد؟ این ها برای ترساندن است و گمان های صفرم دیگری که در چنین مواقعی پدیدار می شود...

۶. در تعالیم، ما می‌بایست انواع روندها و رویکردها را بشناسیم تا با هماهنگی و همراهی بیشتری آنها را طی کنیم مثلاً روندهایی مثل نحل (زنبور عسل)، نمل، فیل، والعصر، حمد، مانده، طور، نجم، یاسین، ظهی، بقره و ...

به عنوان مثال روند تعلیمی مبتنی بر «نحل» وضعیتی مانند استخراج سریع و متنوع و متعدد از موضوعات زیادی است که مطرح و شاید تجزیه و تفسیر شوند و از هر کدام از آنها ذرات و گرده‌ها (یافته‌ها و واقعیت‌های جدید) استخراج می‌شود؛ شبیه به زنبور عسل که هزاران گل را طی هزاران پرواز بررسی می‌کند و شاهد گل‌های مختلف را جمع کرده و آن را در منطقه مرکزیش (کندو) تبدیل به عسل می‌کند...

یا وقتی جلسه جنبه تأویلی دارد و محتوا و وقایع آن در زمان‌ها و مکان‌های دیگر اتفاق می‌افتد (همزمان یا در آینده) این نوع جلسات اصطلاحاً بر اساس کد «بقره»<sup>۱</sup> حرکت می‌کنند.

۷. و اگر بخواهیم موارد گفته شده را خلاصه کنیم می‌توان گفت که بهتر و بلکه لازم است (اما این از شرایط بنیادی و اساسی نیست) که برای ادامه درس‌های حضوری و ادامه حضور خود در میدان‌ها و تعالیم، حداقل الفبا یا الفباها (وقتی روندها و میدان‌های موازی مطرح است) را عملاً بدانیم. در همان سطح الفبایی و اولیه اما طوری بدانیم که (باز هم لااقل) در میدان‌ها و حضوری‌ها به آنها عمل کنیم و ایجاد گره و مانع و مقاومت نکنیم، جریان تعلیمی را تسریع و تسهیل کنیم نه اینکه به دلیل ندانستگی‌ها آن را کم‌تحرك و یا متوقف کنیم.

نویسنده: پریا (شباب حسامی)

۱. در بقره از طریق تأویل و کالاحم مرده را زنده کردند.

(تمام حقوق محفوظ است)

هیچ بخشی از این مطلب، بدون اجازه کتبی ناشر، قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی، از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، تصویر و صدا نیست. این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان، و هنرمندان قرار دارد.